



نقاب پوشان در بند

■ حضورشان در کجا حس می‌شود. برای هفته‌ها، فضای مجازی شاهد موجی از درخواست‌های کاربران اینترنتی مبنی بر آزادی سه عضو گروه «پوسی رایوت» بوده است. گروه بانک راک اهل روسیه که اعضای آن، اخیرا به توهین به مقدسات محکوم شده‌اند. روز گذشته اما دادگاهی در روسیه، به تمام این درخواست‌ها پاسخ رد داد. «هاریا»، «نازدا» و «یکاترینا»، سه عضو اصلی این گروه که از مارس گذشته به اتهام آوایشگری یازداشت شده بودند، سرانجام به تحمل دو سال زندان محکوم شدند. اما در حالی که عفو بین‌الملل، هر سه متهم این پرونده را زندانیان عقیدتی خوانده بود، مدونا در کنسرت اخیرش در مسکو، با یادآوری نام این سه زندانی، توجه جهانیان را بیش از پیش به فضای سیاسی و اجتماعی روسیه معطوف کرد. این روزها، از میان خوانندگان و ناوندگان غربی، کمتر کسی را می‌توان یافت که روی صحنه حاضر شده و یادی از این گروه نکرده باشد؛ گروهی که با الهام‌گیری از جنبش فمینیستی دختران آشوبگر آمریکا تشکیل شده و آغاز به کار کرده است. برای بسیاری از غربی‌ها، طی زمان کوتاهی، این زنان نقاب‌پوش تبدیل به نمادی از نیمه پنهان جامعه‌ای شدند که ظلم سیاسی تحمیل شده از سوی حکومت را از پشت این نقاب‌ها نظاره می‌کنند. در مقابل اما، انتشار خبر دستگیری اعضای این گروه، جنبش اعتراضی مخالفان دولت روسیه را، که در زمستان گذشته و به بهانه انتخابات ریاست‌جمهوری این کشور جانی تازه گرفته بود، بار دیگر به حالشیه رانده بدون شک، حکم صادرشده از سوی دادگاه، از دیدگاه مدافعان حقوق‌یشر و خود اعضای گروه چندان خوشایند نیست، اما پیام سیاسی آنها که به چیزی جز نابرابری و مشارکت سیاسی نیست، بیش از هر چیز دیگری در معرض خطر قرار دارد، چراکه تا به امروز اپوزیسیون دولت روسیه در جلب حمایت چنین گروه‌هایی و سرمایه‌گذاری در محبوبیتی که این گروه‌ها به راحتی کسب می‌کنند، کاملا ناتوان بوده است. اعضای این گروه، مسئولیت ناشی نداشتند و برای حفظ هویت خود، چهره‌های خود را پشت کلاه ماسک‌هایی موسوم به «بالاکلاوا» پنهان می‌کنند. اجراهای کوتاه و دسته‌جمعی، به‌ویژه در مکان‌های عمومی و شناخته شده و تکثیر ناواری‌های ساختگی با رعایت ریتم آهنگ‌هایی که از پیش ضبط شده‌اند، از مشخصات برجسته ویدیوهای این گروه است. آنها سپس ویدیوی این اجراها را در اینترنت منتشر می‌کنند. متن این ترانه‌ها که در وبسایت رسمی گروه نیز تنها به زبان انگلیسی و نه حتی روسی به اشتراک گذاشته شده است، سیاست‌های ولادیمیر پوتین و دولتش را هدف گرفته و مخالفان را به گرویدن به فمینیسم و برپایی تظاهرات تشویق می‌کند. آخرین صحنه اجرای موسیقی این گروه، کلیسای جامع مسکو بود. جایی در شمال مسکو که لقب بلندترین کلیسای ارتدوکس جهان را نیز از آن خود کرده است. نام ترانه «عای پانک» بود که رابطه ننگ‌انگ میان کلیسای ارتدوکس روسیه و مقامات دولتی این کشور را به شدت نقد می‌کرد. تنها یک دقیقه پس از آغاز این اجرا، مأموران امنیتی وارد کلیسا شده و اعضای گروه را به بیرون از کلیسا هدایت کردند. هرچند که گروه موفق به ضبط کامل ویدیوی ندای پانک نشدند اما ویدیوی نسبتا بلندتری که صحنه‌هایی از خروج اعضای گروه از کلیسا را نیز در بر داشت، پس از مدت کوتاهی در شبکه‌های اجتماعی منتشر شد و جهان را در بر گرفت. در نهایت در تاریخ چهارم مارس و به دنبال اعتراضات بی‌دریی رهبران کلیسا، سه نفر از اعضای این گروه بازداشت شدند تا آنچه این گروه سعی بر افشای آن داشت، بر همگان ثابت شود. از قرار معلوم، مقامات روسیه تصور نمی‌کردند که بازداشت اعضای این گروه، توجه جامعه جهانی را تا این حد به خود جلب کند. شاید بازداشت چهارم‌های سیاسی می‌توانست دلیل قانع‌کننده‌ای برای اعتراض گروه‌های مدافع حقوق‌بشری به شمار آید اما بازداشت ستاره‌های راک، از دید این مقامات، چندان بحث‌انگیز به نظر نمی‌رسید. پیامدهای دستگیری اعضای این گروه اما، آنچنان گسترده بود که ولادیمیر پوتین را به دخالت مستقیم در روند محاکمه واداشت، تا جایی که از مسوولان این پرونده درخواست کرد که در اجرای حکم این زنان جوان، ملایمت بیشتری به خرج دهند.

درخواست جهانیان برای آزادی این سه دختر جوان، مصداقی است بر این حقیقت که اعتراضات هنرمندان، در روسیه و در هر جای دیگر جهان، از گذشته تا به امروز، بخشی از یک سنت جهانی شده است. هنرمندان و موسیقیدانان همچنین از صدور حکم زندان، در مقابل رفتار اعضای این گروه، هر چقدر توهین‌آمیز هم که باشد، به خشم می‌اندازند. خشمی که از عواملی چون اشد مجازات و فقدان آزادی بیان نشأت می‌گیرد.

از دیدگاه اپوزیسیون روسیه و بخش اعظمی از جامعه این کشور، ادبیات گروه پوسی رایوت، رویکرد و حمایت آشکارشان از فمینیسم، تا حدی افراطی تلقی می‌شود. از سوی دیگر، حامیان خارجی این گروه، درک درستی از بافت سیاسی و اجتماعی روسیه ندارند. در نتیجه، اقدامات مثنی که تاکنون در راستای حمایت از این گروه صورت گرفته است، تنها به اعمال خشونت کمتر علیه این سه زن محدود می‌شود و افکار عمومی از پیام اصلی این گروه، که فریاد مخالفت و برابری است کاملا منحرف شده است.

گرچه صدور حکم این متهمان، حتی در صورت برپایی دادگاه تجدیدنظر، به‌زودی پراکنده‌گی حمایت‌های جهانی از اعضای این گروه را به دنبال خواهد داشت، اما آنچه قابل توجه است، حمایت و توجهی است که این گروه در مدت زمان کوتاهی قادر به کسب آن بوده و فاکتور حمایت، اصل مهمی است که نیروهای اپوزیسیون روسیه، مدت‌هاست از آن غافل شده‌اند.

منبع:سی‌ان‌ان

ترجمه «میثم پوراافضل»: جوزف یوجین استیگلتنس، متولد ۱۹۴۳، اقتصاددان و استاد دانشگاه کلمبیاست. او بین سال‌های ۱۹۹۵ تا ۱۹۹۷،مدیر انجمن مشاوران اقتصادی دولت آمریکا (CEA) بود و از ۱۹۹۷ تا ۲۰۰۰ سمت اقتصاددان ارشد بانک جهانی (World Bank) را داشت. او از نظریه‌پردازان «اقتصاد اطلاعات» (Information Economics) است که در مقابل اقتصاد بازار آزاد و سوسالیسم مبتنی بر بازار قرار دارد. استیگلتنس در ۲۰۰۱، جایزه نوبل اقتصاد گرفت. متن زیر مصاحبه «جان استوارت» با «جوزف استیگلتنس» است در برنامه «شو روزانه جان استوارت» که در ۲۵ جولای ۲۰۱۲ پخش شد. این برنامه مایه طنز دارد اما این چیزی از جدیت آن کم نمی‌کند و اغلب میهمان‌های برنامه افراد مهم و تاثیر گذارند. اساسا، این نوع برنامه‌سازی در آمریکا معمول است. با توجه به این نکته، در ترجمه، شوخی‌ها حذف و صحبت‌ها کمی خلاصه شده است.

■ ■ ■

استوارت: ممنون که تشریف آوردید.

استیگلتنس: متشکرم از دعوت‌تون.

استوارت: اسم کتاب جدید شما هست: «بهای نابرابری» (The Price of Inequality). چه چیز باعث شد این کتاب را بنویسید؟

استیگلتنس: نابرابری یکی از مهم‌ترین مشکلات کشور ما شده است. نمی‌دانم آیا مردم آمریکا می‌دانند که بین تمام کشورهای صنعتی جهان، ما نابرابرترین کشوریم. به علاوه، باز میان کشورهای صنعتی، ما کمترین میزان «برابری در فرصت» را داریم که با افتاسه ما، یعنی رویای آمریکایی، بسیار فاصله دارد. استوارت: اینجا دو موضوع هست: «برابری در فرصت» و «برابری در ثروت». بعضی معتقدند که برابری در فرصت مهم‌تر است. مثلا افرادی مثل اد کاردز (اد همکاران قبلی میت راسنی در شرکت بین کاپیتال) می‌گویند ما در کشور، به قدر کافی نابرابری نداریم. زیرا نابرابری سبب می‌شود مردم برای رفع نابرابری‌شان بیشتر تلاش کنند و به همین دلیل هم باید مالیات‌ها پایین نگه داشته شود [تا انگیزه‌ها از بین نرود]. ما کدام یکی را نداریم، «برابری در فرصت» یا «برابری در ثروت»؟ استیگلتنس: هیچ کدام را، نه برابری در فرصت، نه برابری در ثروت. زندگی کسی که در آمریکا به دنیا می‌آید، بیشتر از همه کشورهای صنعتی جهان که آمارشان را در دست داریم، وابسته است به میزان درآمد و تحصیلات والدین‌اش. وضعیت فعلی آمریکا حتی از وضعیت اروپای قدیم هم بدتر است. استوارت: مثلا من شخصا ثروتمندم. مردم انتقاد می‌کنند که چرا میت رامنسی را به خاطر روثش نقد می‌کنیم. برای من، ثروت مساله نیست. مشکل در نهادهی که کردن منافی است که از راه ثروت به دست می‌آید یعنی، درست کردن سیستمی که ثروت را از مالیات محفوظ می‌دارد و آن را از سرمایه‌گذاری در امور زیربنایی معاف می‌کند. آیا این وضعیت قابل تغییر است؟ برای این تغییر، اراده سیاسی یا هر چیز دیگری وجود دارد؟

استیگلتنس: به نظرم وضعیت ممکن است تغییر کند زیرا همین حالا، در دیگر کشورها، اوضاع با اینجا متفاوت است. قوانین فعلی قوانین اجتناب‌ناپذیر اقتصاد نیست. دیگر کشورها از همین نیروهای بازار (تأمین‌کنندگان عرضه و تقاضا) استفاده کرده‌اند و اکنون نابرابری اقتصادی کمتری دارند و نابرابری در فرصت‌ها را کاهش داده‌اند. نیروهای بازار در خلا، به وجود نمی‌آیند. ماییم که نیروهای موجود در بازار را شکل می‌دهیم. استوارت: یعنی، بازار آزاد و بدون قید و بند وجود ندارد. استیگلتنس: نه، وجود ندارد. ما برای اعلام ورشکستگی شرکت‌ها سندی تصویب می‌کنیم که می‌گوید، در صورت ورشکستگی، قبضل از کارگرها یا هر کس دیگری، باید به شرکت‌ها کمک هزینه پرداخت شود، اما در مقابل، مثلا وام‌های دانشجویی به هیچ عنوان بخشیده نمی‌شود. حتی اگر جایی که در آن درس خوانده‌اید، کیفیت آموزشی بسیار پایینی داشته باشد، باز هم تا آخر عمر به‌دکار دولت خواهید بود. اقتصاد ما بر این اساس ساخته شده و به نابرابری فعلی انجامیده است. استوارت: آیا مزایای نهادهی‌های که اسروژه برای ثروت وجود دارد، همیشه وجود داشته یا چیز تازه‌ای است؟ زیرا ظاهرا، امروزه در اقتصاد می‌گویند درآمدی که اهمیت دارد، «درآمد حاصل از سرمایه‌گذاری» است و «درآمد حاصل از کار» چندان مهم نیست.

استیگلتنس: در آمریکا، ماهیت نابرابری در ۳۰ سال گذشته، تغییری شگرف کرده که هم برای اقتصادمدان مضر بوده و هم به نابرابری منجر شده است. مثلا سه دهه پس از جنگ جهانی دوم، اقتصاد ما پیوستگی پیدا کرد و رشد کرد، اما از دهه ۸۰ به این سو، اقتصاد ما گسسته شد و رشدش کاهش یافت.

استوارت: اما گفته می‌شود که اگر کسانی را که در راس هرم ثروت هستند و شغل و ثروت تولید می‌کنند، جریمه و مواخذه کنیم، دیگر شغل و ثروت تولید نخواهند کرد و مثلا نباید مالیات آنها را بالا برد.

استیگلتنس: کسانی را نگاه کنید که مهم‌ترین خدمت‌ها را به جامعه کرده‌اند: کسی که ایده اولیه کامپیوتر را طرح کرد یا کسانی که مهم‌ترین پیشرفت‌ها را در داروسازی و شناخت دی‌ان‌ای و واکسن‌سازی به وجود آوردند. آنها برای پول این کارها را نکرند. حتی اگر قرار بود ۵۰ درصد مالیات بدهند، باز همان کاری را می‌کردند که کردند. این نظریه که «خلاقییت و نوآوری به میزان مالیات وابسته است»، اصلا مبنایی ندارد. استوارت: مسالهای که من نمی‌فهمم، این است. ظاهرا مردم از ثروت یا موفقیت ناراضی نیستند بلکه از این قوانین کاملا جدید و عجیب ناراضی‌اند. قوانینی که خود ثروتمندان وضع کرده‌اند اما طوری رفتار می‌کنند که گویی این قوانین به‌صورت کاملا تصادفی، از دل بازار آزاد در آمده‌اند...

استیگلتنس: یا اینکه مثلا این قوانین اجتناب‌ناپذیرند...

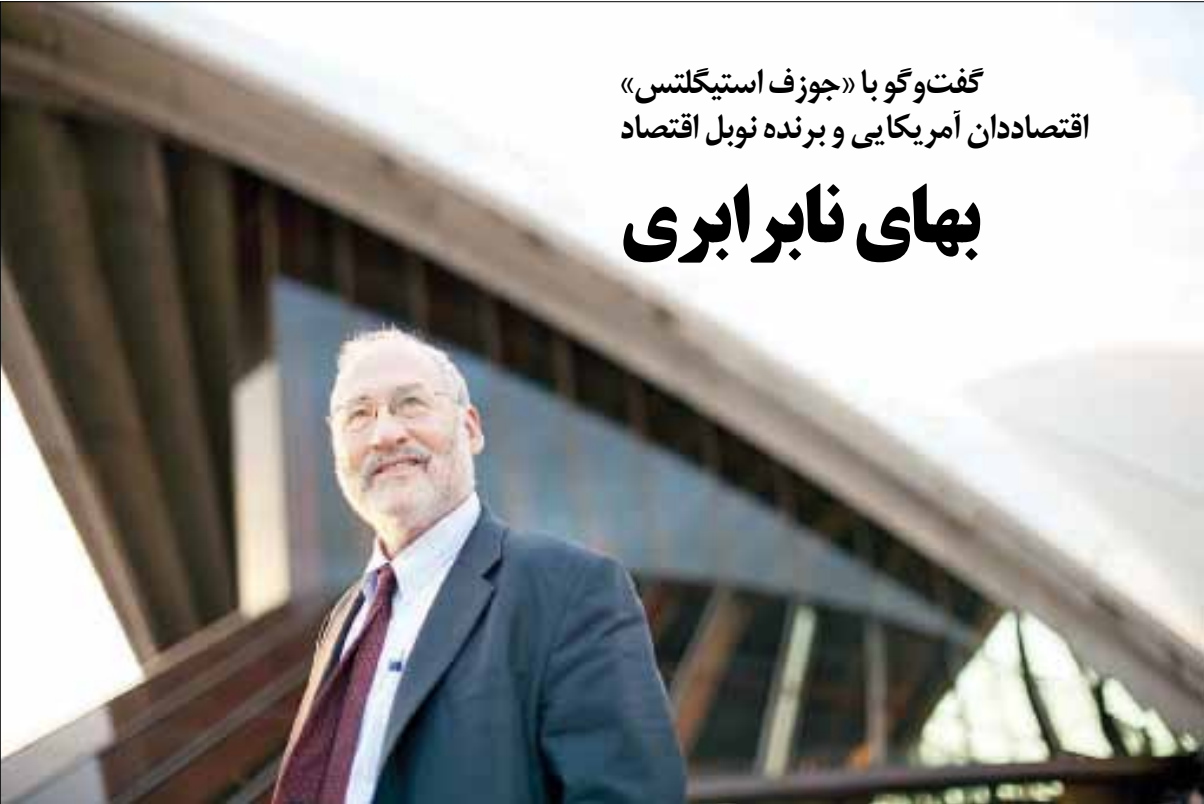
استوارت: بله یا اینکه اجتناب‌ناپذیرند.

استیگلتنس: مثالی که درباره قوانین ورشکستگی زدم در همین باره بود. مثال دیگر اینکه مثلا کسانی که در راس هرم ثروت هستند، پول‌شان را از مونوپولی‌ها و شرکت‌های انحصاری درمی‌آورند. مونوپولی‌ها کارشان چیست؟ مونوپولی‌ها تولید را محدود می‌کنند. به این ترتیب، این افراد با ساختن این فرایندهای تولید ثروت، از کارایی و رشد اقتصاد می‌کاهد. غیر از این، آنها می‌کوشند تا نظارت‌های مالی را کم کنند و نرخ مالیات‌ها را کاهش دهند.

جهان

گفت‌وگو با «جوزف استیگلتنس» اقتصاددان آمریکایی و برنده نوبل اقتصاد

بهای نابرابری



عکس: Reuters

استوارت: اگر بخواهیم منصف باشیم، باید بگوییم که برای موسسه‌های کوچک، نظارت‌های مالی و مالیاتی بسیاری وجود دارد و [در مقایسه با شرکت‌های بزرگ] هزینه فعالیت اقتصادی آنها بسیار بالاست. شما چه استدلالی دارید در تایید اینکه نظارت‌های مالی و مالیاتی می‌تواند کارآمد باشد؟

استیگلتنس: زمان‌هایی بوده که دولت می‌خواسته است

شویه نظارت‌های مالی و مالیاتی را اصلاح کند. زمانی که

من در کاخ سفید کار می‌کردم و مدیر انجمن مشاوران

اقتصادی دولت بودم، با معاون رییس‌جمهور، آقای آلگور،

طرحی را شروع کردیم به اسم «بازسازی دولت». ما همه

قوانین نظارت مالی را بازبینی کردیم. پرسش ما هم این بود

که چطور می‌شود از دشواری این نظارت‌های مالی که کرد

ولی در عین حال، کاری کرد که نظارت‌ها وظیفه‌شان را انجام

دهند، مثلا اینکه هم موسسه‌های کوچک و هم شرکت‌های

بزرگ محیط‌زیست را آلوده نکنند...

استوارت: یا مثلا شرکت‌های کوچک مجبور نباشند

چند نفر را اضافه استخدام کنند تا کاغذبازی‌های اداری‌شان

را رفع و رجوع کنند؟ کاغذبازی‌هایی که ظاهرا بسیار زیاد و

طاقت‌فرسات...

استیگلتنس: (با خنده) تازه اگر نگران وضعیت درختان

باشید هم با این کاغذبازی‌ها مخالف خواهید بود... نکته

اینجاست که می‌شود این نظارت‌ها و مقررات را بهبود بخشید

و سا در آن زمان، در چند زمینه توانستیم این کار را بکنیم.

نکته جالبی که جناح راست از آن ناراضی است، این است

که هر بار ما نظارت‌های مالی را کاهش می‌دهیم، باید در آن

سند، ذکر کنیم که قوانین نظارت مالی تغییر کرده است.

این اساس، جناح راست حتی کاهش نظارت‌های مالی را هم

نوعی افزایش نظارت‌های مالی تلقی می‌کند!

استوارت: چه جالب! مساله دیگر این است که «سرمایه»

را می‌شود جای‌جا کرد اما «کار» این قابلیت را ندارد. سرمایه

ششبه گازها و مایعات است، یعنی از جای پرفشار به جای

کوفشار حرکت می‌کند. شما می‌توانید پول نان را بردارید و

به جایی ببرید که فشار کمتر و آزادی عمل بیشتری هست.

آیا آمریکا، با توجه به معیارهای زندگی‌اش، هیچ‌وقت می‌تواند

هزینه کار و نظارت‌های مالی‌اش را انقدر کاهش دهد که

بتواند در این بازار جهانی به‌هم‌پیوسته، توانایی رقابت داشته

باشد؟ آیا باید اساسا از این هدف بایستی گذشت؟

استیگلتنس: ما می‌توانیم در رقابت باقی مانیم اما باید

اقداماتی بکنیم؛ مثلا باید در تکنولوژی سرمایه‌گذاری کنیم

و با آموزش کارگران، نیروی مولدشان را افزایش دهیم. غیراز

این، مثلا یکی از مشکلات آمریکا این است که در امور

زیربنایی سرمایه‌گذاری نکرده...

استوارت: درست است اما مثلا شرکت اپل هیچ‌وقت

نمی‌آید تلفن‌هایش را در آمریکا تولید کند. اپل می‌گوید من

می‌توانم بروم جایی کار کنم که کارگانش دوهفته، بدون

استراحت، کار می‌کنند.

استیگلتنس: سودی که نصیب ما می‌شود از «طراحی»

اپل است...

استوارت: نه، من بیشتر مقصودم کار تولیدی بود.

استیگلتنس: در مورد کار تولیدی باید اذعان کنیم که ما در

بسیاری زمینه‌ها، توانایی رقابت نداریم. ببینید در ابتدای قرن

بیستم، افراد بسیاری شغل‌شان کشاورزی بود و غنای جهان

را تولید می‌کردند. امروز، با توجه به کشفرفت‌های فراوان و بالا

رفتن قدرت تولید، ما می‌توانیم کالاهای تولیدی فراوان را با

نیروی کار بسیار اندک تولید کنیم. بنابراین باید کارگرها را

از کار تولیدی خارج کنیم و به حوزه‌های دیگر ببریم اما در

این‌صورت، آنها به مهارت بیشتری نیاز دارند. برای این کار باید

در همان زمینه‌هایی که گفتم، یعنی تکنولوژی، آموزش و

امور زیربنایی، سرمایه‌گذاری کنیم. اینجا نقش دولت مشخص

می‌شود. دولت باید این کار را بکند.

استوارت: اما دولت باید ثابت کند که می‌تواند در این

عرصه موفق باشد. بسیاری معتقدند که دولت خودش نیرویی

همنسنگ دیگر نبروهاست که می‌تواند کارها را از چیزی که

هست، بدتر کند. بنابراین باید قابل اتکا بودن خود را ثابت کند.

استیگلتنس: کشورهای دیگر در این کار موفق بوده‌اند و

توانسته‌اند دولت را در این زمینه‌ها به کار بگیرند.

استوارت: مثلا کدام کشورها موفق بوده‌اند؟

استیگلتنس: کشورهای اسکندیناوی توانسته‌اند سریع‌تر

رشد کنند...

استوارت: (با شوخی) عجب! اما اقتصاد آنها که کلا

دستوری و بخشنامه‌ای است، چند نفر ما موبر آن بالا نسته‌اند

و می‌گویند چه باید بکنند. از شوخی گذشته، پیچیدگی‌ای

که در اقتصاد آمریکا وجود دارد، با کشورهای اسکندیناوی

قابل مقایسه‌نیست.

استیگلتنس: بله. شما گفتید کشورهایی که موفق بوده‌اند

را مثال بزنم، من هم گفتم کشورهای اسکندیناوی نکته‌ای

ادامه از صفحه ۶

استادبازی شطرنج رسانه و سیاست

البته این حرکت بسیار اشتباه دولت کامرون بعدا توسط آنان تا حدودی تعدیل شد و پلیس بریتانیا اعلام کرد که چنانچه آسانز از سفارت خارج شود، فورا وی را دستگیر خواهد کرد.

در طول چند روز گذشته موفقان و مخالفان آسانز با طرح موضوعات متفاوتی هر کدام سعی در توجیه و قابل قبول بودن دعوی خود را داشته‌اند. مخالفان وی با حمایت از سیاست دولت بریتانیا با تمسک به اتهام وارده سعی در تخریب شخصیت وی داشته‌اند، با رجوع به قوانین داخلی بریتانیا موضوع استرداد به درخواست دولت سوئد را قانونی تلقی می‌کنند، با مقایسه دموکراسی آنگلوساکسون با دولت چپگرای کوره آ حکم بر حقانیت انگلیسی می‌دهند و مهم‌تر از همه قوه‌قضاییه سوئد را بری از خطا و تسلیم در برابر کشور ثالث می‌دانند. این در حالی است که موفقان آقای آسانز اتهام وارد شده به وی را یک توطئه سیاسی برای استرداد به آمریکا تلقی کرده، موضوع شخصی آسانز را به جایگاه سایت افشاگر ویکی‌لیکس رده داده و بیش از همه با توسل به حقوق بین الملل موضع دولت اکوادور را ارجح بر دولت لندن به حساب می‌آورند. آنان معتقدند که طبق ماده ۲۲ کنوانسیون ۱۹۶۱ وین که به صراحت سفارت‌خانه خارجی در کشور میزبان را بخشی از قلمرو ارضی کشور میهمان می‌داند، تعرض فیزی بدون اجازه به سفارت اکوادور توسط پلیس بریتانیا را نقض منشورهای حقوق بین‌الملل قلمداد می‌کنند. در مقایسه ادعاهای هر دو طرف به سادگی می‌توان فهمید که موضع حامیان آسانز، از وجهات قانونی و ادله منطقی قدرتمندتری برخوردار بوده و اصل موضوع حمایت‌گرانه کشورهای عضو سازمان «جامعه کشورهای آمریکای جنوبی» به نفع اکوادور، مساله کنونی به یک چالش فرغنج بین‌المللی می‌تواند تبدیل شود. به همین دلیل به نظر نمی‌رسد که پلیس بریتانیا تهدید قبلی خود برای ورود فیزی به سفارت را عملی کند و هرگونه تشدید تنش دیپلماتیک با اکوادور نیز با توجه به سابقه تاریخی بریتانیا در آن منطقه می‌تواند لندن را که هم‌اکنون به خاطر موضوع اشغال جزایر «مالویناس» با آرژانتین درگیر است، به مخمصه بزرگ‌تری دچار کند. آسانز شطرنج‌باز ماهری است که جایگاه رسانه را به درستی می‌داند و نشان داده است که در تقابل با نهاد سیاسی در یک جغرافیای ضدانگلیسی مهره‌های خود را بسیار بهتر از رقیب حرکت می‌دهد.



با هزار تومان خیلی کارهای مهمی میشه کرد!

سال پیش از شما پرسیدیم که با هزار تومان چی می‌شه کرد و تر شما دعوت کردیم که با مشارکت در طرح عضویت هک با پرداخت ماهانه حداقل هزار تومان به بزرگترین خانواده حامی کودکان مبتلا به سرطان پیوندید.
امسال می‌خواهیم بگوییم که با هزار تومان‌های شما در هک چه کار می‌کنیم؛ ما با تکیه بر کمک‌های شما از سال ۱۳۷۰ تاکنون موفق به حمایت همه جانبه بیش از ۱۷۰۰۰ کودک مبتلا به سرطان در سراسر ایران شدائیم و در سال ۸۶ تنها بیمارستان فوق تخصصی سرطان کودکان در خاورمیانه را بتا نهاده و بهره‌برداری کرده‌ایم. فقط در این بیمارستان تا امروز بالغ بر ۳۵۰۰ کودک از سراسر ایران، رایگان درمان شده‌اند.

اگر شما هم حامی فقط هزار تومان به هک کمک کنید، می‌تونین ضمن پیوستن به بزرگترین خانواده حامیان کودکان مبتلا به سرطان در یکی از پر ارزش‌ترین حرکت‌های دنیا برای نجات جان هزاران کودک مشارکت کنید.
برای پیوستن به خانواده بزرگ هک با شماره ۰۲۱-۳۳۵۴۰۳۱۰ تماس بگیرید.



برای بازدید از این مجموعه که حاصل عشق شماست، با شماره تلفن ۰۲۱-۳۳۵۴۰۳۱۰ تماس حاصل فرمایید.

از اینکه به پیام ما توجه کردید، سپاسگزاریم.